

## چیستی انسان (۱)

### معانی خودشناسی

شناخت هرکس از خود و خصلت های رفتاری خودش که در مباحث اخلاقی و تربیتی کاربرد دارد.  
مقصود از خود همان حقیقت انسانی است که مفهوم کلی آن انسان شناسی است.

### نظریات درباره حقیقت انسان

ارسطو }  
دوگانه انگاری } دکارت  
داروینیست ها }  
ماتریالیست ها } تک ساختی

### ارسطو

معتقد است انسان نوعی حیوان است و ویژگی های حیوانات مانند غریزه، احساس و ادراکات حسی را دارد.  
ویژگی خاص انسان که او را از سایر حیوانات متمایز می کند، **نطق** (تفکر یا اندیشه ورزی) است.  
تفکر و نطق مربوط به بعد غیرمادی انسان یعنی روح است.

می اندیشد.  
اراده می کند.  
از بدن در کارها بهره می گیرد.

### دکارت

منظور از من جهان ذهن است (من = ذهن).  
ذهن و بدن دو چیز متفاوت و کاملاً مجزا از یکدیگر هستند.  
ذهن و بدن در عین تفاوت، با یکدیگر هستند و ذهن از بدن استفاده می کند.

### ذهن

مرکز اندیشه و افکار و استدلال و قضاوت است.  
آزاد است.

### جسم

آزاد نیست.  
تابع قوانین فیزیکی است.

### ماتریالیست ها

فیلسوفانی که معتقدند هرچیز از جمله انسان از نوعی ماده ساخته شده است (تک ساختی بودن انسان).

### شخصیت (ها): توماس هابز

### افکار آن ها:

ذهن: مجموعه ای از سلول های مغزی که افکار را جمع و جور می کند و به یکدیگر مرتبط می سازد. (فکر = ماده).  
انسان تنها یک ماشین پیچیده است، نه چیزی بیشتر.  
تنها تفاوت انسان و رایانه در میزان پیچیدگی انسان ها است.  
انکار روح در انسان

### داروین‌یست‌ها

فیلسوفانی که از نظریه داروین به نام تحول تدریجی انواع درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند.

### افکار آن‌ها:

- انسان = حیوان راست قامت
- انسان تفاوت واقعی با سایر حیوانات ندارد = نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- علت پرداختن انسان به فضائل اخلاقی: انسان به ناچار وارد زندگی اجتماعی شده و این زیست اجتماعی، او را وادار به ابداع و رعایت اصول اخلاقی کرده است. در نتیجه، نمی توان گفت فضیلت گرایی در نهاد انسان وجود داشته است!